

گفتگوی اخبار روز با ناهید جعفر پور

برای برقراری جمهوری دمکراسی و جدائی دولت و دین مبارزه می کنیم

ناهید جعفر پور: ما در ایران یک رژیم استبدادی داریم که با وجود گذشت ۳۰ سال از انقلاب، هنوز همان سیستم فاسد و فاسادگرا را حفظ کرده است. ما نیاز داریم که این رژیم را سرنگ کنیم و یک سیستم دموکراتیک و مردمی را جایگزین آن کنیم. ما برای این کار نیاز داریم که مردم ایران را بیدار کنیم و آنها را برای مبارزه با این رژیم متحد کنیم. ما برای این کار نیاز داریم که یک جبهه متحدی را تشکیل دهیم که بتواند با این رژیم مبارزه کند و آن را سرنگ کند.

ما برای این کار نیاز داریم که یک جبهه متحدی را تشکیل دهیم که بتواند با این رژیم مبارزه کند و آن را سرنگ کند. ما برای این کار نیاز داریم که مردم ایران را بیدار کنیم و آنها را برای مبارزه با این رژیم متحد کنیم. ما برای این کار نیاز داریم که یک جبهه متحدی را تشکیل دهیم که بتواند با این رژیم مبارزه کند و آن را سرنگ کند.

اخبار روز: پنجمین همایش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ماه آینده در شهر هانور برگزار می شود. شعار اساسی این همایش چیست و قرار است به چه مسایلی رسیدگی کند؟

ناهید جعفر پور: مسلماً شعار اساسی پنجمین نشست جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران همچنان "مبارزه برای برقراری جمهوری، استقرار دمکراسی و جدائی دولت و دین" در ایران است. اگر بپذیریم که مبارزه برای برقراری جمهوری و استقرار دمکراسی و جدائی دولت و دین از طریق تشکیل مجلس موسسان مردم میسر است. در این صورت به باور من روند رشد و اعتلای مبارزات مردم ناگزیر راه حل تشکیل مجلس موسسان مردم از طریق انتخابات آزاد و دمکراتیک برای تدوین قانون اساسی جدید را مطرح خواهد کرد. فرایند تبلیغ و ترویج این راه کار در عین حال کمک به رشد آگاهی اجتماعی نسبت به ضرورت تغییرات اساسی ساختاری در ایران و مضمون آن چه که باید جایگزین نظام کنونی شود، خواهد کرد. ما در نشست پنجم با توجه به همین شعار اساسی مان، در باره چند موضوع بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری خواهیم نمود که مهمترین آن به اعتقاد من موضوع :

۱. انتخابات ریاست جمهوری، تحولات سیاسی اجتماعی ایران و گذر از جمهوری اسلامی

۲. ضرورت همگرایی و اتحاد عمل گسترده جمهوریخواهان. خواهد بود. مسلماً موضوعات دیگری هم در دستور کار نشست قرار دارد از جمله منشور پیشنهادی از سوی جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران واحد پاریس که در این موارد هم امیدوارم نشست پنجم به نتایجی حاصل آید.

اخبار روز: آخرین وضعیت جنبش را چطور می توان ارزیابی کرد، چشم انداز امیدوار کننده است؟

ناهدید جعفرپور: طبیعتاً پرسش به این پاسخ را باید در ارزیابی از وضعیت عمومی مجموعه اپوزیسیون آزادی خواه، دمکرات و مخالف رژیم جمهوری اسلامی ایران دریافت. چرا که پراکندگی درون این طیف خود از موانع اساسی دستیابی به موفقیت های کوتاه و دراز مدت بوده است که ما هم (جدل) از این قاعده مستثنی نبوده ایم اما خوشبختانه جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران بخصوص در دو سال گذشته تلاش هائی در جهت فائق آمدن بر این پراکندگی انجام داده است. به اعتقاد من در شرایط پراکندگی کنونی ایجاد بلوکی قوی و نیرومند از گروه های مختلف جمهوریخواه باورمند به جمهوری، دمکراسی و جدائی دولت و دین با افق های فکری و سیاسی گوناگون می تواند از سوئی بر این پراکندگی غلبه نماید و از سوی دیگر راه حلی دمکراتیک برای عبور از رژیم جمهوری اسلامی ایران بیابد. از این روی هم دیالوگ و بحث و گفتگو در باره زمینه ها و موانع همگرایی جمهوریخواهان درون این طیف از اهمیت بسزائی برخوردار است. در این دیالوگ و بحث و گفتگو ها جمهوریخواهان می بایست هویت جمهوریخواهی خویش را مورد بازبینی قرار داده و در باره محدودیت های مضمونی و محتوایی خود با یکدیگر بحث و گفتگو پردازند و به ضعف ها و قوت های جمهوریخواهان در سطح کلان پردازند. برای مثال در همین طیف وسیع جمهوریخواهان باورمند به جمهوری، دمکراسی و جدائی دولت و دین بر سر دمکراسی و جدائی دین از دولت و عبور از جمهوری اسلامی و... نظرات، تعبیرها و تفسیرهای متفاوت و برخا کاملاً دوگانه وجود دارد و این بحث و گفتگو و دیالوگ ها کمک خواهد نمود تا این نظرات دوگانه و تفسیر و تعبیرها با یکدیگر به چالش کشیده شوند. آنچه مسلم است جمهوری خواهان درون این طیف تنها می توانند بر مبنای اشتراکات و نه اختلافات با یکدیگر به یک مخرج مشترک برسند. اگر هم نتوانند به یک مخرج مشترک برسند، حداقل زمینه های همکاری و اتحاد عمل میان برخی از جمهوریخواهان که بهم نزدیک ترند سهل تر خواهد شد. تا چه حد در این امر موفق خواهند شد را نمی توان از هم اکنون پیش بینی نمود

اما من چشم انداز این روند را امیدوارکننده می بینم.

اخبار روز: ناکامی ها و دستاوردهایی که در این مدت بوده است؟

ناهید جعفرپور: همانطور که در بالا گفته شد جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران هم تحت تاثیر وضعیت کلی اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی در خارج و ناکامی های عمومی اش به دلیل پراکندگی و از همه مهمتر دوری از ایران و زندگی در تبعید ووو قرار دارد و تافته ای جدا از بافته نیست. اما به باور من مهمترین ناکامی جدل در دوره های اخیر عدم شرکت وسیع زنان در این جنبش و برخا دفع زنان از جدل بوده است. مسئله ای که متأسفانه از سوی جدل و همچنین از سوی سایر نیروهای درون اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی به آن بهای لازم داده نمی شود. در این راستا به همت تنی چند از همراهان جدل و برخی از نیروهای دیگر تلاش هائی شد اما از آنجا که پشتیبانی کافی را بدنبال نداشت ناموفق ماند. این ناکامی یکی از بزرگترین ضعف های اپوزیسیون جمهوریخواه است و اگر نتواند به مشکلات و معضلات نیم فعال جامعه یعنی زنان بپردازد، از ضعفی بزرگ برخوردار خواهد بود.

اما در باره دستاوردها خوشبختانه در دوره اخیر گروه ارتباطات شورای هماهنگی جدل موفق شده است دیالوگ های سازنده و گسترده ای با برخی از جریانات جمهوریخواه انجام دهد. در این بحث و گفتگو ها خوشبختانه نتایجی هم حاصل شده است از جمله سازماندهی کنفرانس های زنجیره ای بزرگ جمهوریخواهان در آینده ای نزدیک و دعوت از هر چه بیشتر نیروهای جمهوریخواه برای بحث و دیالوگ و گفتگو و بازتاب رسانه ای هر چه بیشتر این بحث و گفتگو ها در خارج از کشور و در سطح جامعه ایران.

اخبار روز: آیا روند جدایی ها ادامه دارد یا نشانه هایی از گسترش صفوف به چشم می خورد؟ مناسبات شما با سایر نیروهای اپوزیسیون در چه وضعی است؟

ناهید جعفرپور: متأسفانه ما در چند سال اخیر شاهد چندین جدائی درون اپوزیسیون چپ، آزادیخواه و دمکرات بوده ایم اما خوشبختانه در شرایط کنونی نشانه های خوبی در زمینه وحدت صفوف چپ و همچنین نزدیکی صفوف جمهوریخواهان وجود دارد. تا کنون جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران بر سر مسائل حقوق بشری با ۹ گروه جمهوریخواه اتحاد عمل هائی داشته است و اخیرا هم با برخی از نیروهای

جمهوریخواه روابط نزدیک تر بحث و گفتگو برقرار نموده است. همانطور که ذکر شد یکی از تم های مهم نشست پنجم جدل هم ضرورت همگرایی و اتحاد عمل گسترده میان اپوزیسیون جمهوریخواه و باورمند به سه ارزش در بالا ذکر شده است.

اخبار روز: جمهوری خواهان دموکرات و لائیک با چه سیاستی به استقبال انتخابات خرداد ماه می رود؟

ناهد جعفرپور: با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران از تحریم انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری در ایران جانبداری می کند. اهمیت این تحریم زمانی می تواند بهتر درک شود که تلاش های تاکتونی جمهوری اسلامی برای کسب مشروعیتی مردمی مورد توجه قرار گیرد. رژیم جمهوری اسلامی از آغاز روی کار آمدنش تا به امروز همواره تلاش نموده است به جهانیان نشان دهد که از پشتیبانی مردم ایران در تمامی زمینه ها برخوردار است. از این روی هم همواره می کوشد رای مردم را در انتخابات مختلف و از جمله مهمترینش یعنی انتخابات ریاست جمهوری به حساب رای داوطلبانه مردم به نفع حکومت و برای بقای جمهوری اسلامی وانمود کند. از این روی شرکت در انتخابات فرمایشی دوره یازدهم ریاست جمهوری، بویژه در شرایطی که این رژیم بیش از هر زمان دیگر هم در میان مردم ایران و هم در میان مردم جهان منزوی و رسوا شده است، به ادعای مشروعیت مردمی آن یاری خواهد رساند. عدم شرکت گسترده مردم در انتخابات، برعکس، نشانه های مخالفت با استبداد و خواست آزادی و دموکراسی به سوی ایرانی رها از جمهوری اسلامی است.

گزارش راه پیمائی اول ماه مه در پاریس

شش تشکیل و سازمان سیاسی (اتحاد جمهوری خواهان ایران، جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان فدائیان خلق ایران — اکثریت، مجامع اسلامی ایرانیان، شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران) و جمعی از

آزادخواهان طرفدار جمهوری و جدائی دین و دولت، در تظاهراتی که به دعوت سندیکای فرانسوی ش.ژ.ت بمناسبت روز جهانی کارگر بر پا شده بود شرکت کردند.

شعار مرکزی و مشترک این تظاهرات نه به جمهوری اسلامی ایران و شعارهایی در دفاع از مطالبات کارگران ایران، آزادی زندانیان سیاسی بویژه آزادی سندیکالیست های زندانی بود.

در مسیر این راه پیمائی، از میدان معروف باستیل به میدان ناسیون، با توجه به همجواری تظاهرات سوریه ای های دموکرات، شعارهایی برای همبستگی بین المللی و همبستگی مبارزات مردم ایران و سوریه برای آزادی و علیه دیکتاتوری داده شد و تظاهرات در میدان ناسیون با سرود انترناسیونال به پایان رسید.

گفتگوی اخبار روز با شیدان و ثیق

اخبار روز: ...

...

اخبار روز: پنجمین گردهم‌آیی جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران ماه آینده در شهر هانوفر در آلمان برگزار می‌شود. شعار اساسی این گردهم‌آیی چیست و قرار است به چه مسایلی رسیدگی کند؟

شیدان وثیق: در گستره‌ی جمهوری‌خواهان ایران، جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران (از این پس جدل) روندی را تشکیل می‌دهد که هشت سال پیش، در سپتامبر ۲۰۰۵، در نفی جمهوری اسلامی، سلطنت و بیراهه‌ی اصلاحات در چهارچوب نظام، برای فرارویی جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین در ایران، پایه‌گذاری می‌شود. این حرکت، امروز، با گذر از فرازو نشیب‌هایی، در آستانه‌ی پنجمین گردهم‌آیی سراسری خود در روزهای ۱۷، ۱۸ و ۱۹ ماه می در شهر هانوفر آلمان قرار دارد.

در این گردهم‌آیی، چهار سند به رایزنی همراهان برای تصویب گذارده می‌شوند. طرح‌های پیشنهادی این اسناد از هم اکنون در تارنمای [ندای آزادی](#) انتشار یافته‌اند. علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه‌ی این اسناد و اظهار نظر در باره‌ی آن‌ها به این سایت رجوع کنند. اسناد عبارتند از: ۱- بیانیه‌ی سیاسی در باره‌ی اوضاع جهان و ایران و مواضع جدل پیرامون مهم‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی ایران. ۲- سندی در مورد همکاری و هم‌گرایی جمهوری‌خواهان در خارج از کشور. ۳- منشور سیاسی که سند پایه‌ای جدل در سال ۲۰۰۵ را امروزی و تکمیل می‌کند و سرانجام ۴- بر مبنای اساسنامه‌ی قبلی جدل، طرح اساسنامه‌ی جدید با توجه به مسائل و مشکلات در روابط درونی و تشکیلاتی، به‌ویژه در زمینه‌ی تعیین نقش، وظایف و اختیارات گروه‌های کاری.

در مورد «شعار سیاسی» این گردهم‌آیی، همان‌طور که در طرح بیانیه‌ی سیاسی پیشنهادی به پنجمین گردهم‌آیی سراسری آمده است، به نظر ما، در شرایط کنونی، اپوزیسیون دموکرات، جمهوری‌خواه و طرفدار جدایی دولت و دین در ایران باید همچنان و بیش از گذشته بر بنیادها، اصول و اهداف مبارزه‌ی خود ایستادگی و پافشاری کند. این‌ها عبارتند از: مبارزه برای آزادی‌های مدنی در ایران؛ مبارزه برای رشد و گسترش جنبش‌های اجتماعی- سیاسی و پشتیبانی از آن‌ها؛ مبارزه برای دفاع از حقوق بشر و میثاق‌های دموکراتیک بین‌المللی؛ ترویج اصول دموکراسی و توضیح مضمون بدیل جمهوری مورد نظر که مبتنی بر جمهوریت، دموکراسی، لائیسیت، عدالت اجتماعی، برابری و استقلال است.

شعار اصلی راه کاری ما در جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک،

همواره مبارزه برای نیل به جمهوری و دموکراسی در ایران بر پایه‌ی جدایی دولت و دین از طریق تشکیل مجلس موسسان مردم است. به باور ما روند رشد و اعتلای مبارزات مردم ناگزیر راه حل تشکیل موسسان مردم از طریق انتخاباتی آزاد، دموکراتیک و برابری برای تدوین قانون اساسی دموکراتیک جدید به جای قانون اساسی اسلامی کنونی را مطرح خواهد کرد. فرایند تبلیغ و ترویج این راه‌کار در عین حال کمک به رشد آگاهی اجتماعی نسبت به ضرورت تغییرات اساسی ساختاری در ایران و مضمون آن چه که باید جایگزین نظام کنونی شود خواهد کرد.

اخبار روز: وضعیت جنبش، چشم‌انداز، ناکامی‌ها و دستاوردهای آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا روند جدایی‌ها ادامه دارد یا نشانه‌هایی از گسترش صفوف به چشم می‌خورند؟

شیدان وثیق: در پاسخ به این پرسش شما من سعی می‌کنم فراتر روم و در محدوده‌ی این بحث به ریشه‌های مشکل یعنی به بحران کار سیاسی («سیاست» و سیاست‌ورزی) و سازماندهی بپردازم.

به دیده‌ی من، جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران، طی هشت سال گذشته همواره با بحران مواجه بوده است. نه تنها گسترشی در صفوف ما به وجود نیامده است بلکه جدایی‌ها و کناره‌گیری‌ها ادامه یافته‌اند. این وضعیت رکود، ریزش و بحران اما در سایر گروه‌ها و سازمان‌ها نیز (و جالب این جاست نه تنها نزد ایرانیان بلکه در همه جا چون پدیداری جهانی) وجود داشته است و ویژگی تنها جدل نمی‌باشد. نزد ما شاید بتوان گفت که برخی عوامل بحران‌زا، به دلیل ویژگی حرکت پدیداری که ما می‌خواهیم، حداقل از نظر من، در گسست از «سیاست» واقعاً موجود» انجام دهیم، شدیدتر عمل کرده‌اند و می‌کنند.

بحران «سیاست» و تشکل و خودسازماندهی سیاسی- اجتماعی در درجه‌ی اول بحرانی جهانی است. امروزه با نقد و رد شکل‌ها و شیوه‌های کهنه‌ی فعالیت سیاسی و سازمانی، کنشگران ضد سیستمی که خواهان تغییر نظم موجود و نه مدیریت بهتر آن هستند، همه جا در پی ابداع شکل‌هایی نوین از مشارکت و خود- سازماندهی در فرایند پراتیک مبارزاتی خود می‌باشند. همه‌ی آن‌ها نیز در برابر چالش‌هایی جدید، سخت و بغرنج، در برابر شکست الگوهای سازماندهی سنتی و فقدان الگوهای جدید جایگزینی قرار دارند. آن‌ها باید، بدون سرمشق، به تقریب از سر و از نو بناندیشند، اختراع، ابداع و آزمون کنند. اشکال تاریخی و سنتی سازماندهی‌های شناخته شده که در سده‌ی نوزده و بیست در نمونه‌های حزب، جبهه... به صورتی نهادین برای رهبری و متحد کردن

مردمان، برای تصرف قدرت سیاسی و دولت و حفظ آنها عمل می‌کردند و همچنان نیز عمل می‌کنند، امروزه در رکود و بحرانی سخت فرو رفته‌اند. مردمی را جلب و متشکل نمی‌کنند. در بهترین حالت تبدیل به نهادهایی حکومتی، حزب- دولت Part-Etat، برای مدیریت نظم موجود و استمرار «این‌همانی» می‌شوند.

افزون بر این‌ها، بحران جدل ریشه در شرایط ویژه «فعالیت سیاسی» در تبعید دارد. این بحران خصلتی structurel (ساختاری) و نه conjoncturel (موقعیتی) دارد. موقعیتی نیست چون وابسته به شرایطی ویژه، موقت و گذرا نبوده بلکه بنیادین، مقاوم و پایدار است. اما ساختاری است چون نابسامانی‌ها و ناتوانایی‌های سیاسی در خارج از کشور - که همواره و پیوسته بحران‌زا می‌باشند- از واقعیتی عینی و جامعه شناسیک بر می‌خیزند که چیرگی بر آنها تنها از طریق اراده و عمل کنشگران سیاسی، آن‌هم در خارج از متن جامعه و مبارزات اجتماعی در داخل، میسر نیست. بحران کلان فعالیت سیاسی در خارج از کشور را من، در عنوان‌هایش، در این بحث کوتاه، در سه عامل ریشه‌یابی می‌کنم. یکم، در فرسودگی فعالان سیاسی در خارج کشور و فقدان نوسازی و نوزایش در جهان خُرد آنان. دوم، در جدایی دوگانه ذهنیت سیاسی و هستی اجتماعی این فعالان از متن واقعی و عینی مبارزات سیاسی- اجتماعی در درون جامعه که حاصل زندگی طولانی آنها در تبعید است. سرانجام سوم و از همه مهم‌تر، در محدودیت‌های عینی و مجازی بودن پدیدارهای سیاسی در خارج از کشور. این آخری به این معناست که «سیاست» و «فعالیت سیاسی» در تبعید، در بیشتر برنامه‌ها، شعارها، مفهوم‌ها، گفتارها و شکل‌های سازماندهی و تشکیلاتی، بیش و کم غیر حقیقی، صوری (فرمال) و بی ریشه و پایه هستند. از این روست که بسیاری از به اصطلاح «فعالیت‌های سیاسی» در خارج از کشور، ناپایدار، نمایشی، فرصت‌طلبانه و تهی از اصولیت بر مبنای جاه‌طلبی‌های فردی و فرقه‌ای (اگر نگوئیم قبیله‌ای) می‌باشند. تنها با آگاهی به محدودیت‌های عینی و دریافت مجازی بودن بسیاری از پدیدارهای سیاسی خارج کشوری است که می‌توان امر «مقاومت» یا «مبارزه» در تبعید را در همزیستی با بحرانی پایدار، با پذیرش ناتوانایی‌ها و ظرفیت‌های محدود «فعالیت سیاسی» در خارج از متن اجتماعی، به پیش راند.

بحران جدل اما به منزله‌ی بخشی تفکیک ناپذیر از بحران کلان و عمومی سیاسی در خارج از کشور با شاخصهایی که در بالا بر شمردیم، دارای ویژگی‌ای است که بحران نزد ما را تشدد می‌بخشد. این ویژگی عبارت از

این است که جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک حرکتی سیاسی - جنبشی parti-mouvement متمایز از حرکت‌های حزبی- دولتی parti-etat است. به این معنا که جدل نه «حزب» و «جبهه» است، نه انجمنی فرهنگی یا حقوق بشری و نه شبکه‌ای از محفل‌ها، بلکه می‌خواهد جنبشی رادیکال و سیاسی، دموکراتیک و سراسری، متشکل از افراد حقیقی صرف نظر از تعلقات باوری، سازمانی یا غیرسازمانی‌شان باشد. این همه اما در راستای مداخله‌گری و مبارزه‌ای اپوزیسیونی چون آلترناتیوی سیاسی- نظری و نه برای تصرف قدرت سیاسی و دولت چون آلترناتیوی سیاسی- ارگانیکی. اما حرکت جنبشی، در سرشت خود، مسائل حل نشده، ناروشنی‌ها، معماها و بغرنج‌هایی دارد که از خصلت بدیع و متمایز آن نسبت به شکل‌های آشنا و سنتی کار سیاسی و اجتماعی بر می‌خیزند. از این رو نیز، چون پدیداری نو، ناشناخته و بی‌سابقه است. حرکت جنبشی در خود بحران‌زاست چون می‌خواهد مضمون‌ها و شکل‌های جدیدی را در گستره سیاست، در گستره مداخله‌گری سیاسی و سازماندهی، در گسست از شکل‌های کهنه کار سیاسی و سازماندهی سنتی، به وجود آورد. شکل‌هایی که تا کنون وجود نداشته‌اند و یا اگر وجود داشته‌اند چندان دوام نیاورده‌اند. شکل‌های نوینی که امکان‌پذیری‌شان نامسلم و در حد شرط‌بندی است.

با این همه اما، به باور من، حرکت‌هایی از نوع جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، با وجود همه‌ی بحران‌ها، موانع و مشکلات در شکل‌گیری بقا و رشدش، می‌تواند با پایداری بر اصول و ارزش‌های بنیادینی چون سه اصل اساسی جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین، با خواست براندازی نظام جمهوری اسلامی توسط جنبش مردم ایران، با تاکید بر عمده بودن نقش جنبش‌های اجتماعی در داخل کشور برای ایجاد دگرگونی‌های ساختاری، با پشتیبانی از اشکال مختلف مبارزاتی، از اعتراض و اعتصاب تا قیام و انقلاب، با پیگیری بر شکل جنبشی- موکراتیک و غیر قدرت‌طلبانه سازمان‌یابی در تمایز با شکل‌های حزبی- بوروکراتیک و قدرت‌طلبانه... ترجمان گونه‌ای جمهوری‌خواهی رادیکال در اپوزیسیون ایران باشد.

اهمیت پایداری و استمرار حرکتی از این سنخ، اهمیت حضور فعال یک روند جمهوری‌خواهی رادیکال از نوع جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک در اپوزیسیون ایران، روندی هر چند کوچک و در اقلیت، اهمیت حضور فعال حرکتی که تمامیت رژیم اسلامی را نفی می‌کند و خواهان برچیدن آن باشد... در این است که امروزه بخش‌های بزرگی از جمهوریخواهان ایران یا در فکر اتحادهای رسوا کننده با هواداران

نظام پادشاهی به نام «وفاق ملی» هستند، یا مشوق دخالت قدرت‌های بزرگ جهانی در ایران به نام «سیاست‌ورزی» می‌باشند و یا در دنباله‌روی از اصلاح‌طلبان داخل کشور پاسدار بقای سیستم می‌گردند.

اخبار روز: مناسبات شما با سایر نیروهای اپوزیسیون در چه وضعی است؟

شیدان وثیق: باید بپذیریم که پروژه‌ی بنیادین جدل یعنی طرح ایجاد اتحادی فراگیر متشکل از دین باوران لائیک، ملی‌گرایان دموکرات و چپ‌های غیر توتالیتار (این فرمول‌بندی جریان سوم از من است)، در عمل با نا کامی رو به رو شده است. پرسش اصلی این است که آیا در شرایط تاریخی کنونی ایران و جهان، امکان ایجاد اتحادهای فراگیر به طور کلی بین جمهوری‌خواهان و به طور مشخص در شرایط ایران بین سه نحله‌ی نامبرده وجود دارد؟ آیا این سه جریان در وضعیتی از لحاظ سیاسی و نظری قرار دارند که بتوانند با هم متحد شوند؟ پاسخ به این پرسش‌ها از دیدی من منفی است.

اما در زمینه‌ی مناسبات با نیروهای اپوزیسیون، طرح پیشنهادی بیانیه‌ی سیاسی جدل به پنجمین گردهم‌آیی که مورد توافق من می‌باشد، در ترسیمی کلان، این نیروها را از رویکرد راه‌کارهای متفاوت سیاسی‌شان برای خروج از شرایط فعلی ایران به سه دسته بر مبنای سه گونه «پروژه‌ی گذار» متفاوت تقسیم کرده است.

یکی، پروژه «اصلاح دینی» رژیم است. این طرح که از سوی اصلاح‌طلبان مذهبی در ایران و خارج مطرح می‌شود در اساس می‌خواهد خصلت دینی نظام و قانون اساسی اسلامی آن را با اصلاحاتی جانبی حفظ کند. این طرح با نیروهای لائیک وارد ائتلاف یا اتحاد و یا حتا هم‌سویی نمی‌شود. این طرح به طور عمده می‌خواهد در چهارچوب نیروهای مذهبی (چه در اپوزیسیون رژیم و چه در درون آن) مبارزات خود را در جهت تغییراتی تدریجی با حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران سازمان دهد.

دومی، طرح «وفاق ملی» است که هوادارانی در درون اپوزیسیون به ویژه در خارج از کشور دارد، از جناح‌هایی در میان جمهوری‌خواهان، چپ و هواداران سلطنت و مشروطه تا برخی شخصیت‌ها و چهره‌های سیاسی. طرفداران این طرح، برای ایجاد اتحادی که از اپوزیسیون رژیم تا بخش‌هایی از حاکمیت را در برگیرد، فعالیت‌هایی را به‌ویژه در یک سال اخیر با برگزاری کنفرانس‌ها انجام داده‌اند و می‌دهند. افرادی، هر چند اندک، از هواداران این طرح نیز خواهان قرار گرفتن در زیر چتر

حمایتی قدرت‌های بزرگ خارجی از جمله ایالات متحده آمریکا برای پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی از هر طریقی ولو جنگ و دخالت نظامی می‌باشند.

در مقابل دو طرح فوق اما طرح سومی قرار می‌گیرد که پروژه‌ی جمهوری‌خواهی در جهت برجیدن نظام جمهوری اسلامی و نیل به جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین در ایران است. جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران طرفدار چنین طرح و راه‌کاری می‌باشد. اما در این جا نیز امروزه بیش از پیش ما شاهد آنیم که نمی‌توان تنها به گرد اصول کلی فوق چون جمهوری، دموکراسی، جدایی دولت و دین و یا شعارهایی چون انتخابات آزاد و از این قبیل... دست به ایجاد اتحاد، بلوک یا هم‌گرایی جمهوری‌خواهی زد. امروزه نمی‌توان به منظور ایجاد هم‌گرایی، اتحاد یا وفاق، از مسایل پسا جمهوری اسلامی در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که به راستی و به ناگزیر در جامعه تعارض برانگیزاند، چشم پوشید. امروزه نمی‌توان مسائل مبرم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی را به بهانه‌ی دسترسی به هم‌گرایی یا اتحاد، فرصت‌طلبانه کنار گذارد و یا دور زد.

به باور من، جمهوری‌خواهان ایران امروز در برابر پرسش‌هایی چون کدام جمهوری؟ کدام دموکراسی؟ کدام جدایی دولت و دین در ایرانِ فردا و کدام راه گذر از جمهوری اسلامی در ایرانِ کنونی، به دو دسته‌ی اصلی و ناسازگار تقسیم می‌شوند. بخشی بزرگ و در اکثریت خواهان اصلاحات در جمهوری اسلامی یعنی در نهایت پاسدار سیستم و قانون اساسی آن و در نتیجه پیرو گونه‌ای حفظ دین‌سالاری است. بخشی دیگر که در اقلیت است و به دیده‌ی من جدل را نیز در بر می‌گیرد، خواهان براندازی نظام در تمامیت‌اش از طریق جنبش‌های اجتماعی در داخل و بنابراین تاسیس نظامی دیگر بر مبنای قانون اساسی دیگر یعنی قانون اساسی جمهوریت و به این وسیله پایان دادن به دین‌سالاری در هر شکل و مضمون آن است.

این ناسازگاری که با واقعیت جهان پر شور و شر ما بیشتر سازگار است به معنای آن نیست که «گونه»‌های سیاسی مجتمع، جمع‌های سیاسی جدا از هم، نمی‌توانند در رخ‌دادهایی، در زمان‌هایی و در مکان‌هایی ویژه و معین، بیشتر نابهنگام و اتقاقی، به گرد مسایلی مشخص، مبرم و مشترک، هم‌سو شوند و دست به همکاری یا ائتلاف‌هایی زنند.

اما این ائتلاف‌ها یا اتحادهای سیاسی همواره موقت و گذرا می‌باشند. این‌ها در همین حد نیز تنها می‌توانند برآیند اتحاد بین اقشار و

طبقات اجتماعی در حرکت‌های مبارزاتی، اجتماعی، سیاسی و مدنی‌شان باشند و نه بر عکس. این تصور رایج در اپوزیسیون ایران که در خارج از کشور، در خارج از میدان مبارزات سیاسی- اجتماعی و مستقل از جنبش‌های اجتماعی و اتحادیه‌هایی که میان خود اقشار و طبقات بر سر موضوعات مشخص سیاسی یا اجتماعی به وجود می‌آیند، می‌توان دست به اتحادهای بزرگ سیاسی بین گروه‌های سیاسی بُریده از میدان واقعی اجتماعی مبارزه زد، افسانه یا پنداری واهی و باطل بیش نیست.

با این وجود اما، راه‌های همکاری و مشارکت گروه‌ها و روندهای سیاسی بر محور پاره‌ای اصل‌ها و راه‌کارها را نباید بسته و منتفی تلقی کرد. رادیکالیسم جمهوری‌خواهی ما به معنای انزواطلبی، فرقه‌گرایی یا مخالفت با تلاش‌ها در جهت همکاری و هم‌کوشی جمهوری‌خواهان ایران نیست. امروزه، امکان همکاری‌های محدود یا گسترده به گرد مسایل مشخص مبارزاتی چون دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران فراهم می‌باشند. جمهوری‌خواهان خارج کشور به راستی می‌توانند بر اساس حداقل اصولی چون جمهوریت، دموکراسی و جدایی دولت و دین برای ایران دست به همکاری‌های گوناگون و گسترده با حفظ چندانگی و چندگانگی خود زنند. این همکاری‌ها می‌توانند اشکالی مختلف به خود گیرند؛ از کارزارهای عملی مشترک تا برگزاری گفت‌وگوها و سمینارها برای روشنایی بخشیدن به اختلافات و اشتراکات... در این مسیر، هر گامی هر چند کوچک اما عملی به پیش مفیدتر از صدها برنامه‌ی غیر عملی برای ایجاد اتحادهای ناممکن و موهوم است. جمهوری‌خواهان لائیک، به سهم کوچک خود، در این راه از هیچ کوششی کوتاه‌ی نمی‌کنند. تا کنون در این راه با جریان‌ها و سازمان‌های جمهوری‌خواه گام‌های مشترکی برداشته‌اند و در آینده نیز بر خواهند داشت.

اخبار روز: جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک با چه سیاستی به استقبال انتخابات خرداد ماه می‌روند؟

شیدان وثیق: همان‌طور که در طرح پیشنهادی بیانیه‌ی سیاسی به گردهم‌آیی پنجم آمده است، در خرداد ماه آینده بار دیگر مضحک‌ای به نام «انتخابات ریاست جمهوری» برای دوره‌ی یازدهم در ایران برگزار خواهد شد. این بار اما همه‌ی شواهد تا به امروز نشان می‌دهند که جناح‌های رقیب حاکم و سپاه پاسداران و در راس آن‌ها ولی فقیه و شورای نگهبان نقشه‌ی انتخاباتی را طراحی می‌کنند که به هر ترتیب و بهایی تجربه‌ی شوم انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۸۸ برای آن‌ها تکرار نشود. از این رو این بار با انتخاباتی به مراتب محدودتر به برگزیدگان شورای نگهبان و غیر دموکراتیک‌تر از انتخابات دوره‌های

پیشین روبه‌رو خواهیم بود.

تفاوت دیگر این دوره انتخابات با دوره‌ی دهم در نقشی است که اصلاح‌طلبان خارج از حکومت بازی خواهند کرد. اینان هم چون در گذشته بر سر دو راهی شرکت نامشروط یا شرکت مشروط در انتخابات قرار دارند. اما با توجه به سرکوب چهار سال اخیر، در بند بودن تعدادی از فعالان و رهبران‌شان و سخت‌گیری حاکمان، این‌بار می‌توان پیش‌بینی کرد که امکان شرکت اثرگذار آن‌ها در انتخابات، از جمله شرکت چهره‌ای چون رئیس‌جمهور تدارکات‌چی سابق، بسته می‌باشد. با این حال شرکت بخشی از اصلاح‌طلبان در انتخابات را نمی‌توان منتفی دانست.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران مصمم‌تر از گذشته، با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی ایران، از تحریم انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری جانبداری می‌کند. اهمیت این تحریم را زمانی بهتر درک می‌کنیم که تقلای مستمر جمهوری اسلامی در کسب مشروعیتی مردمی برای خود در درازای عمر تا کنونی‌اش را دریابیم. مستبدان اسلام‌گرای حاکم بر ایران همواره کوشیده‌اند و می‌کوشند که رای مردم در "انتخابات" مختلف، از جمله در مهمترین آن‌ها یعنی انتخابات ریاست جمهوری را به حساب «رای داوطلبانه‌ی» مردم به حکومت اسلامی وانمود سازند تا از این طریق بتوانند هم در صحنه‌ی داخلی و هم در عرصه‌ی جهانی قدرت‌نمایی کنند. با دستی باز، در داخل کشور سلطه بر مردم را تشدید و خواست‌های دموکراتیک و آزادی خواهانه‌ی آنان را سرکوب کنند و در خارج از کشور سیاست‌های ماجراجویانه خود را بی‌پروا و به حساب «مشروعیت مردمی» ادامه دهند.

ما بر این باوریم که شرکت در انتخابات فرمایشی دوره یازدهم ریاست جمهوری، به ویژه در شرایطی که این رژیم بیش از هر زمان دیگر هم در میان مردم ایران و هم در جهان منزوی و رسوا شده است، به ادعای مشروعیت مردمی آن یاری خواهد رساند. عدم شرکت گسترده‌ی مردم در انتخابات، بر عکس، نشانه‌ی مخالفت با استبداد و خواست ایرانی آزاد و دموکراتیک بدون جمهوری اسلامی است.

دعوت به پنجمین گردهمایی سراسری



بیانه سندیکای کارگران شرکت واحد به مناسبت روز جهانی کارگر

با اینکه تاریخ بزرگداشت اول ماه مه در ایران حدود صد سال سابقه دارد، اما متأسفانه به علت سرکوب های پلیسی، امنیتی و کارشکنی های دولتی و برخلاف ادعاهای گوش خراش مسئولان در حمایت از کارگر و همچنین همگانی نبودن تعطیلی روز جهانی کارگر، تاکنون بزرگداشتی شایسته ی مقام میلیونها کارگر و زحمت کش ایرانی در اول ماه مه برگزار نشده است.

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، که به پاسداشت یاد و خاطره تابناک کارگرانی که در حمله پلیس شیکاگو به تظاهرات حق طلبانه کارگری حدود یکصد و بیست سال پیش کشته شدند، و از این روی از سوی اتحادیه ها و سازمان های جهانی کارگری آن دوران به عنوان نماد اتحاد و همبستگی جنبش گسترده و دیر پای دادخواهی کارگران جهان پایه گذاری شده است. بر همه ی کارگران وزحمتکشان و همکاران شریف گرامی باد.

به مناسبت روز جهانی کارگر سندیکاها و اتحادیه ها و سازمانهای کارگری در کشورهای مختلف تلاش میکنند توجه وسیع افکار عمومی و رسانه ها را به دادخواهی کارگری افزایش داده و بر خلاف مراسم تبلیغاتی حکومتی و دولتی، بی عدالتی های اجتماعی را افشاء و به صورت اعتصاب، راه پیمایی، تجمع اعتراضی، گردهمایی، سرود خوانی، اطلاعیه و دیگر روش ها، اعتراضات خود را اعلام و حقوق خود را طلب می نمایند. و در همین راستا از عموم کارگران ایران دعوت می شود

سازمانهای سندیکائی خود را ایجاد و در چنین روزهایی اعتراضات و خواست های خود را به مسئولان اعلام نمایند.

با اینکه تاریخ بزرگداشت اول ماه مه در ایران حدود صد سال سابقه دارد، اما متأسفانه به علت سرکوب های پلیسی، امنیتی و کارشکنی های دولتی و برخلاف ادعاهای گوش خراش مسئولان در حمایت از کارگر و همچنین همگانی نبودن تعطیلی روز جهانی کارگر، تاکنون بزرگداشتی شایسته ی مقام میلیونها کارگر و زحمت کش ایرانی در اول ماه مه برگزار نشده است. البته با وجود همه ی این مشکلات و موانع گوناگون، سندیکای کارگران شرکت واحد همواره با سخت کوشی و همدلی و اتحاد و پذیرش خطرات به سهم خود این روز را گرامی داشته است.

سندیکای کارگران شرکت واحد همانند دیگر سندیکاهای کارگری جهان که خواسته ها و اعتراضات خود را در چنین روزی اعلام می کنند، بخشی از مهمترین خواسته های خود را بدین شرح اعلام می نماید.

۱- آزادی فوری و بی قید شرط آقای رضا شهابی راننده زحمت کش شرکت واحد و عضو هیئت مدیره سندیکا از زندان و درمان وی تا سلامتی کامل و بازگشت بکار و پرداخت همه ی حق و حقوق معوقه ایشان از تاریخ بازداشت.

۲- بازگشت بکار فوری رانندگان زحمت کش شرکت واحد آقایان حسن سعیدی، وحید فریدونی، ناصر محرم زاده، که به علت پی گیری حقوق همکاران خود در سال گذشته با پرونده سازی و اعمال روش های غیرقانونی از کار معلق شده و هم اکنون در شرایط سخت اقتصادی بسر میبرند.

۳- رعایت شان و منزلت انسانی کارگران و پایان بخشیدن به رفتارهای غیرقانونی پلیسی امنیتی علیه فعالیت سندیکائی کارگران و آزادی همه ی زندانیان مدافع و فعال حقوق کارگری.

۴- تامین امنیت شغلی و جلوگیری از اخراج کارگران به ویژه فعالان حقوق کارگری و لغو قراردادهای سفید امضاء و موقت کارگری.

۵- تجدید نظر در حداقل دستمزد سال ۹۲ متناسب با گرانی کمر شکن و تورم روز افزون، و تامین معاش خانواده در حد استانداردهای یک زندگی انسانی متناسب با نیازهای خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و آموزش و پرورش.

۶- جلوگیری از کار کودکان به ویژه در امور خدمات جمع آوری و بازیافت زباله توسط باندهای خلاف کار و سازمانهای خدماتی شهرداری که روزبروز در حال گسترش است.

۷- پایان بخشیدن به تمامی بی عدالتی های مخالف حقوق انسانی و اجرای بی کم و کاست حقوق مردمی که ازسوی سازمانها و نهادهای بین المللی و جوامع حقوق بشری به رسمیت شناخته شده و رعایت آنها از وظایف حکومتگران می باشد.

در پایان یادآور می شود سندیکای کارگران شرکت واحد حق خود می داند که در صورت عدم رسیدگی عادلانه به خواست هایش توسط مسئولان داخل کشور، با همکاری سندیکاها و اتحادیه های جهانی و به استناد حقوق بین المللی کارگری شکایت های خود را در نشست سالانه سازمان جهانی کار مطرح و از طریق ارگان های این سازمان پی گیری و احقاق حق نماید.

با آرزوی گسترش عدالت آزادی و صلح جهانی

سندیکای کارگران شرکت واحد توبوسرانی تهران و حومه - اردیبهشت ۹۲

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، گرامی باد!

✘ کانون نویسندگان ایران

در چنین شرایط طاقت فرسا و اسارت باری، مناسبت اول ماه مه امسال را مغتنم می شماریم و ضمن گرامی داشت این روز، همصدا با کارگران سراسر جهان اعلام می کنیم که ما به اوقات فراغت نیاز داریم.

اول ماه مه یاد آور روزی است که در آن کارگران شیکاگو در آمریکا جان خود را فدا کردند تا بعدها در سراسر جهان به جای شانزده، چهارده، یا ده ساعت کار روزانه، ۸ ساعت کار کنند. زمان طرفی است که توانایی های انسان در قالب آن شکوفا می شود و کارگران شیکاگو

بدین سان می خواستند اوقات فراغت داشته باشند تا بتوانند استعدادها و ظرفیت های انسانی و فرهنگی خود را نیز رشد دهند .

در جهان امروز و به ویژه در جامعه ی کنونی ایران، این مسئله بیش از هر زمان دیگر موضوعیت دارد. کارگران ایران- اعم از یدی و فکری- چنان در بند ابتدایی ترین نیازهای اقتصادی گرفتار آمده اند که حتی اگر کار شبانه را هم به کار روزانه بیفزایند باز هم از پس نیازهای روزمره شان بر نمی آیند. آنان به هر زبان به ما می گویند اینک بیش از هر زمان دیگر به فراغت نیاز دارند تا بتوانند روزنامه بخوانند، کتاب بخوانند، فیلم ببینند، موسیقی گوش دهند، مسافرت بروند، تفریح کنند، اوقات بیشتری را با اعضای خود بگذرانند و سرانجام از چنان فرصتی برخوردار شوند که بتوانند فارغ از سرکوب های معمول، تشکل های مستقل خود را برپا دارند و با تکیه بر آنها برای خواست های انسانی شان مبارزه کنند.

در چنین شرایط طاقت فرسا و اسارت باری، مناسبت اول ماه مه امسال را مغتنم می شماریم و ضمن گرامی داشت این روز، همصدا با کارگران سراسر جهان اعلام می کنیم که ما به اوقات فراغت نیاز داریم.

کانون نویسندگان ایران

۹ اردیبهشت ۱۳۹